



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۸/۱۸

اسحق نگارگر

اهل دُنیا را به نهضت گاه آزادی چه کار؟ درمزابل فارغند ازبوی گل کناس ها (بیدل)

مقصود ما از حصول آزادی چه بود؟

«آزادی» مقوله بسیار دشوار است تا بدانجا که این مقوله تعریف مشخص و قابل پذیرش ندارد و به همین دلیل برخیها پنداشته اند که در دنیای علایق آزادی مُحال است. صحبت را از همین بیت بیدل آغاز میکنم. بیدل میگوید: اهل دنیا سرکاری بامقوله آزادی ندارد زیرا که نهضتگاه مکان درنگ نیست بلکه نهضت همیشه ایجاب حرکت ارتقایی و روبه جلو را میکند و در جاماندن و یامسکین محکوم بر زمین بودن آزادی حرکت را سلب میکند و انسان درگیر هزاران احتیاج و علاقه حکم کناس را دارد. کناس جارو کش، زباله کش، پاک کننده چاههای بیت الخلامی باشد و بیدل اینجا قصد اشغلی را ذکر میکند که دل و دماغ هر دو از آن اشمزاز دارد و هیچکس از روی میل و اختیار این شغل را انتخاب نمیکند و گرفتاری به کناسی خود نوعی جبر است و اما آن که گرفتار این شغل گردیده و همیشه سروکارش با مزابل و بیت الخلاهاست و بنابراین کناس ازبوی گل فارغ است و اما از این بیت دو چیز دیگر را نیز درمی یابیم. نخست در کناسی پیشرفت یا نهضت وجود ندارد. در هر شغل دیگر آدم از نخستین مرحله آن شغل آغاز میکند و به مرحله تخصصی و تبحر در آن شغل میرسد و به اصطلاح هر پوهیالی باز حمت و تلاش به مقام پوهاندی میرسد و طبعاً در مقام پوهاندی در شغل خود کسب اختیار و آزادی بیشتر میکند ولی کناس بیچاره همیشه همان کناس باقی می ماند. دوم: گل آزادی عطر دارد که این عطر دل و دماغ را تازه نگاه میدارد و حرکت به سوی نهضت گاه آزادی را آسان تر میسازد ولی کناس بیچاره درمزابل برای همیشه از عطر آزادی محرومست. اینجا به یک بدیهی دیگر میرسیم که به خاطر بدیهی بودن خود از استدلال بی نیاز است و آن اینکه آزادی مقوله نسبی است و هیچ کس به طور مطلق آزاد نیست اما درجه آزادی اشخاص و جوامع نظر به موقعیت شان کم یا زیاد میشود. اگر به زبان ریاضی صحبت کنیم میتوانیم بگوییم که انسان بر روی ویکتور آزادی از بی اختیاری به سوی اختیار و یا از اسارت به سوی آزادی سیر می کند. با این مقدمه بدان پرسش اساسی میرسیم که مقصود ما از حصول آزادی چه بود. ما در طول تاریخ شاهد بوده ایم که زورمندان آزادی دیگران را سلب کرده اند تا از نیروی کار و منابع اقتصادی شان استفاده کنند. کمزوران همیشه به بردگی و مزدوری افتاده اند و برای دیگران کار کرده اند. برده جنگ را باخته و کارش به بردگی کشیده است. ما بارها به دلایل ضعف و کندی حرکت خود به سوی نهضت گاه آزادی خود را از دست داده ایم و باز برای حصول آن تلاش کرده و قربانی ها داده ایم ولی نفهمیده ایم که آزادی دارای شرایط و اوصاف است و شرط اول آن این است تا مردم نیاز مند نباشند و مجبور نشوند که برای فروش نیروی کار خود به سوی دیگران بروند و غرور خود را به خاطر یک لقمه نان بازیچه دیگران نبینند. ما بر کارگر و صنعتگر از ادنی میتوانیم فخر بفرشویم زیرا که نیازمند کار و مهارت او هستیم. پیشرفت انسانها بر روی ویکتور نهضت تشناب های عصری به وجود آورده و انسان را از اسارت کناسی نجات داده است. ما بدبختانه به مقصودی که از حصول آزادی داشته ایم نرسیده ایم؛ سواد و تعلیم و تربیه را در دیار خود رواج عام نداده ایم و هنوز هم در میان ما ذهنیت های سخت عقبرگرا وجود دارد که نمیخواهند خون تعلیم و تربیه در رگهای جامعه و بطور خاص در رگهای زنان جریان پیدا کند. ثروتهای زیرزمینی ما در انتظار مهارت متخصصان جوان افتاده است. آزادی یا

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لینکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

بهتر است بگوییم سیر به سوی نهضت گاه آزادی ایجاب کار؛ مسؤولیت و عشق و علاقه به کار دارد. هیاهو و اعلام اینکه آی جهانیان بدانید که ما آزاد استیم و صدسال میشود که آزاد بوده ایم در ذهنهای ما غرور کاذب می آفریند. آزاد وقتی میشویم که در خانواده ملت‌های جهان با گردن افراخته بایستیم و دیگران برای تعیین سرنوشت ما با هم چانه نزنند و برای ما تعیین تکلیف نکنند. ما نیز سهم خود را در نهضت های علمی و فرهنگی جهان ادا کنیم. آزاد وقتی خواهیم بود که نیروی جوان ما را فقر و نومیدی در گرداب مواد مخدر غرق نکند. آزادی را از حافظ بیاموزیم که گفت:

غلام همتِ آنم که زیر چرخ کبود ز هر چه رنگِ تعلق پذیرد آزاد است

اگر ضعیف و محتاج بمانیم نمیتوانیم آزادی را حفظ کنیم. ما به رهبرانی نیاز داریم که به جای غرور کاذب در پیکر خسته جامعه ما نیروی اعتماد به نفس و خون نهضت و فردای بهتر را به جریان بیندازند و ما را از شر رکود و کسالت نجات بدهند. امیدوارم نسل جوان ما آزادی افغانستان سرشار از نیروی اتکا به خود و توانایی خود را جشن بگیرند و جامعه را از این حالت کناسی که عطر گل آزادی به مشامش نمیرسد رها سازند. با عرض حرمت و ارادت

نگارگر ۱۷ اگست ۲۰۱۹ برمنگهم